



The Purposeful Selection of Divine Names (asmā' ilāhiyyah) in the Verse-Endings of Sūrat al-Ḥashr

A Semantic-Functional Analysis and Its Role in Sūrah Coherence

Mohammadreza Vaezrad¹ | Abolfazl Khoshmanesh²

1. MA, Department of Quran and Hadith Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: moreza.vaezi@ut.ac.ir

2. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Quran and Hadith Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: khoshmanesh@ut.ac.ir

Abstract

Within the rhetorical structure of the Qur'ān, the mention of Divine Names (asmā' ilāhiyyah) at the end of verses (khawātīm al-āyāt) carries distinctive semantic and relational functions closely tied to the notion (maḍmūn) of the verses. Adopting a descriptive-analytical approach, this study investigates the semantic connections and functional roles of these Names in the verse-endings of Sūrat al-Ḥashr. The findings indicate that the selected Divine Names in these endings perform functions that go beyond mere rhetorical closure or ornamental usage. Rather, they serve as fundamental elements for reinforcing the message of the sūrah and deepening the audience's understanding, and their functions can be classified into several key categories. As cohesive devices, these Names contribute to the structural unity (insijām) of the sūrah, strengthening its internal coherence—exemplified by recurring structural pairings such as “al-‘Azīz al-Ḥakīm”. Within the axis of divine power (qudrah), these Names reveal the divine nature of victory independent of material causes, as reflected in names such as “Qadīr”. In the domain of justice and retribution, they elucidate the consequences of human actions, as in “Shadīd al-‘Iqāb”. In the axis of mercy and hope, they play an inspirational and glad-tiding role for the addressee, as seen in “Ra’ūf Raḥīm” and “al-Raḥmān al-Raḥīm”. Furthermore, in the domain of knowledge and divine surveillance, the Name “Khabīr” reinforces the foundation of piety (taqwā). Ultimately, this deliberate arrangement of Divine Names functions as a key mechanism for linking structure, reinforcing meaning, and enhancing the overall effect of the sūrah.

Keywords: Divine Names (asmā' ilāhiyyah), Sūrat al-Ḥashr, verse-endings (khawātīm al-āyāt), semantic relations, textual coherence.

Cite this article: Vaezrad, M., & Khoshmanesh, A. (2026). The Purposeful Selection of Divine Names (asmā' ilāhiyyah) in the Verse-Endings of Sūrat al-Ḥashr: A Semantic-Functional Analysis and Its Role in Sūrah Coherence. *Quranic Researches and Tradition*, 58 (2), 501-517. (in Persian)

Publisher: University of Tehran Press.

Authors retain the copyright and full publishing rights.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jqst.2026.397910.670575>



Article Type: Research Paper

Received: 23-Dec-2025

Received in revised form: 14-Mar-2026

Accepted: 20-Mar-2026

Published online: 20-Mar-2026



گزینش هدفمند اسماء الهی در خواتیم آیات سوره حشر

تحلیل کارکرد معنایی و نقش آن در انسجام سوره

محمدرضا واعظی راد^۱ | ابوالفضل خوش منش^۲

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: moreza.vaezi@ut.ac.ir
۲. نویسنده مسئول، دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: khoshmanesh@ut.ac.ir

چکیده

در ساختار بیانی قرآن کریم، ذکر اسماء الهی در پایان آیات، دارای کارکردهای معنایی و ارتباطی ویژه‌ای با مضمون آیات است. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی، پیوند معنایی و کارکردهای این اسماء را در پایان آیات سوره حشر واکاوی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که اسماء برگزیده در خواتیم، نقشی فراتر از تأیید پایانی آیه یا کارکردی زینتی دارند؛ این اسماء، در عمل، عناصری بنیادین برای تثبیت پیام سوره و تعمیق فهم مخاطب هستند و می‌توان کارکرد آن‌ها را در محورهای مشخصی دسته‌بندی کرد. این اسماء به منزله عناصر انسجام‌بخش، پیوستگی سوره را تقویت می‌کنند (همچون چارچوب ساختاری «العزيز الحكيم»). در محور تبیین قدرت، ماهیت الهی پیروزی را بدون اتکا به اسباب مادی آشکار می‌سازند (مانند «قدیر»). همچنین در محور عدالت و کيفر، پیامدهای رفتاری را تبیین کرده (نظیر «شديد العقاب») و در محور رحمت و امید، نقشی الهام‌بخش و تبشیری برای مخاطب ایفا می‌کنند (چون «رؤوف رحيم») و «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ». افزون بر این، در محور علم و نظارت، با اسم «خبير» مبنای تقوا را تحکیم می‌بخشند. در نهایت، این چینش هوشمندانه، عامل پیوند ساختار، تقویت معنا و ارتقای اثرگذاری سوره است.

کلیدواژه‌ها: اسماء الهی، سوره حشر، خواتیم آیات، ارتباط معنایی، انسجام معنایی.

استناد: واعظی راد، محمدرضا، و خوش منش، ابوالفضل (۱۴۰۴). گزینش هدفمند اسماء الهی در خواتیم آیات سوره حشر: تحلیل کارکرد معنایی و نقش آن در انسجام سوره. پژوهش‌های قرآن و حدیث، ۵۸ (۲)، ۵۱۷-۵۰۱.

نوع مقاله: علمی-پژوهشی

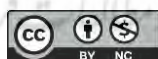
دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۰۲

DOI: <https://doi.org/10.22059/jqst.2026.397910.670575>

بازنگری: ۱۴۰۴/۱۲/۲۳

پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۲۹

انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۲۹



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

حق چاپ و حقوق نشر برای نویسندگان محفوظ است.

مقدمه

سوره مبارکه حشر، به عنوان یکی از سوره‌های مدنی (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ج ۸: ۸۶)، متضمن مضامین و احکام مهمی است. این سوره دارای ساختاری محکم و مضامینی کلیدی است که حول محورهایی نظیر تسبیح و تنزیه خداوند، رویداد اخراج یهودیان پیمان‌شکن بنی‌نضیر از مدینه، افشای چهره منافقان، تأکید بر رسالت پیامبر (ص) و دعوت مؤمنان به تقوا شکل گرفته است (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ج ۲۸: ۵۷). یکی از ویژگی‌های برجسته این سوره، کاربرد مکرر و هدفمند اسماء و صفات الهی در «خواتیم» یا بخش‌های پایانی آیات آن است. با عنایت به اصل «توقیفی بودن» چینش کلمات در قرآن (زرکشی، ۱۴۱۰: ج ۱: ۳۵۳؛ سیوطی، ۱۴۲۱: ج ۱: ۲۱۳؛ معرفت، ۱۴۱۵: ج ۱: ۲۷۱)، این انتخاب نمی‌تواند تصادفی باشد و بی‌تردید در پیوند با مضامین آیات و در راستای پیشبرد اهداف کلی سوره عمل می‌کند. ابوشبیه آورده است: «یکی از جنبه‌های اعجاز قرآن، تناسب و ارتباط میان آیه و پایان‌بندی آن است؛ پس اگر جایگزینی یک پایان‌بندی با دیگری جایز بود، قطعاً به اعجاز قرآن خلل وارد می‌شد» (ابوشبیه، ۱۴۲۳: ۱۹۹).

این پژوهش در پی روشن ساختن منطق و حکمت نهفته در انتخاب هر یک از این اسماء الهی در جایگاه خاص خود است. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌نویسد: «قرآن تنها کتاب وحیانی است که از نام‌های خداوند برای روشنگری اهداف خود بهره برده است» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۸: ۳۵۳). اگرچه به طور کلی می‌دانیم که این اسماء با محتوای آیات تناسب دارند، اما چگونگی این پیوند، کارکردهای دقیق معنایی آن‌ها و نقش مجموع این اسماء در ایجاد انسجام ساختاری و محتوایی سوره حشر، مسئله‌ای است که نیازمند واکاوی تحلیلی و عمیق است. از این رو، این پژوهش در صدد پاسخگویی به این پرسش‌های اساسی است:

۱. ارتباط معنایی و کارکردی هر یک از اسماء الهی در خواتیم آیات سوره حشر با مضمون همان آیه چگونه است؟
۲. مجموعه این اسماء الهی چگونه به تقویت و تعمیق مضامین کلیدی سوره حشر کمک می‌کنند؟
۳. آیا می‌توان یک سیر منطقی در چینش این اسماء از ابتدا تا انتهای سوره، همسو با اهداف کلی آن، شناسایی کرد؟

بنابراین، هدف اصلی این پژوهش، تبیین چگونگی پیوند میان «اسماء الهی» و «مضامین آیات» و واکاوی نقش این نام‌ها در تقویت پیام‌های سوره حشر است تا از این رهگذر، منطق حاکم بر چینش این خواتیم و اعجاز بیانی قرآن در نظام‌مندی و انسجام این سوره آشکار گردد.

پیشینه تحقیق

پژوهش درباره اسماء و صفات الهی پیشینه‌ای دیرین و ریشه‌دار در سنت علمی اسلام دارد و آثار متعددی در این زمینه به نگارش درآمده‌است. از نخستین آثار مستقل می‌توان به کتاب ارزشمند «تفسیر اسماء الله الحسنی» تألیف ابو اسحاق الزجاج (م ۳۱۱ق) اشاره کرد که به شرح معانی اسماء الهی پرداخته‌است. پس از آن، اثری مانند «الاسماء و الصفات» از بیهقی سبزواری (م ۴۵۸ق) نیز گامی مهم به شمار می‌رود. در قرون بعد، آثاری جامع‌تر همچون «المقصد الأسنی فی شرح معانی اسماء الله الحسنی» اثر امام محمد غزالی (م ۵۰۵ق) و «لوامع البینات شرح اسماء الله و الصفات» نوشته فخر رازی (م ۶۰۶ق) به تحلیل دقیق‌تر و عمیق‌تری از معانی و مفاهیم اسماء الهی پرداخته‌اند. در کنار این منابع تخصصی، بسیاری از تفاسیر برجسته قرآن کریم نیز، بنا بر اقتضای آیات، به موضوع اسماء الهی و نقش آن‌ها در فهم بهتر معانی اشاره کرده‌اند. به عنوان مثال می‌توان از «روح المعانی» تألیف آلوسی (م ۱۲۷۰ق)، «فی ظلال القرآن» سید قطب (م ۱۳۸۶ق) و اثر ماندگار «المیزان فی تفسیر القرآن» از علامه طباطبایی (م ۱۴۰۲ق) یاد کرد که در بستر تفسیر قرآن به جایگاه و نقش اسماء الهی در ساختار معنایی آیات پرداخته‌اند. در دهه‌های اخیر، رویکردی نوین با تمرکز بر پیوند معنایی اسماء و صفات الهی در پایان آیات شکل گرفته و پژوهش‌هایی مانند پایان‌نامه‌های «پیوند اوصاف الهی مذکور در فواصل با مضامین آیات در سوره آل عمران و نساء» (نجمه ملک‌پورزاده، ۱۳۹۱) و «بررسی تناسب اسماء الحسنی الهی در خواتیم آیات سوره نور با محتوای آیه» (محدثه سادات میراحمدی، ۱۳۹۳) و نیز مقالاتی چون «پیوند معنایی صفات الهی پایان آیات قرآن با مضمون آن‌ها» (معصومه مرزبان، ۱۳۹۲) و «بررسی تفسیری رابطه اسماء الهی در پایان آیات سوره انفال با محتوای آن» (سید عبدالرسول حسینی‌زاده، ۱۳۹۷)، این روند را تداوم بخشیده‌اند. نوآوری پژوهش حاضر در آن است که به صورت دقیق و تحلیلی، به بررسی ارتباط اسماء الهی ذکر شده در خواتیم آیات با محتوا، سیاق کلی آیات و مضامین محوری سوره مبارکه حشر می‌پردازد. این رویکرد، ابعاد عمیق‌تری از انسجام معنایی و حکمت الهی را در این سوره آشکار می‌سازد و به فهمی جامع‌تر و دقیق‌تر از پیام‌های آن کمک شایانی می‌رساند.

روش تحقیق

مقاله حاضر از لحاظ ماهیت، پژوهشی توصیفی-تحلیلی است که با تمرکز بر روش تحلیل محتوایی و سیاقی، به بررسی آیات سوره حشر می‌پردازد. در گام نخست، خواتیم آیات حاوی اسماء الهی، مورد تحلیل لغوی و معنایی قرار می‌گیرند. در ادامه، پیوند بین ذکر اسماء در پایان آیات با محتوای آیات و مضامین اصلی سوره، با رویکرد سیاقی و با توجه به تفاسیر مرتبط، بررسی می‌شود. شایان ذکر است که واکاوی لغوی آن دسته از اسمایی که در سوره تکرار شده‌اند، صرفاً در اولین کاربرد صورت می‌گیرد؛

اما تکرار این اسماء در سیاق‌های مختلف، از حیث کارکردهای معنایی و تأکیدات متفاوت، به صورت تطبیقی و مقایسه‌ای تحلیل خواهد شد، تا ظرایف و دقایق کلام الهی به وضوح نمایان شود.

۱-۱. مفهوم‌شناسی اسماء و صفات الهی

در عرف ادیبان و مفسران، واژه «اسم» ریشه در «سمو» (رفعت) دارد، زیرا وسیله‌ای برای شناخته شدن «مسمی» است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ج ۱: ۴۲۸). «صفت» نیز از «وصف» مشتق شده و به حالتی در یک شیء اطلاق می‌شود (همان: ج ۱: ۸۷۳) که ابن‌منظور آن را زیوری برای آشکارسازی خصوصیت شیء می‌داند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ج ۹: ۳۵۶). در تفسیر «المیزان» بیان شده که در مورد خداوند، تفاوت ماهوی میان «اسم» و «صفت» وجود ندارد و هر دو، حقیقتی از ذات الهی را بیان می‌کنند. تفاوت تنها در شیوه دلالت است: «صفت» بر معنایی دلالت می‌کند که ذات به آن متصف شده (مانند «حیات»)، اما «اسم» بر خود ذات آراسته به آن وصف دلالت دارد (مانند «حی»). با این حال، چون حقیقت هر دو یکی است، می‌توانند به جای یکدیگر به کار روند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۸: ۳۵۲). از این رو، در این پژوهش، عبارت «اسماء الهی» به طور گسترده هر دو مفهوم را در بر می‌گیرد.

۲-۱. شناخت سوره حشر

سوره حشر، پنجاه و نهمین سوره قرآن کریم بر اساس ترتیب فعلی مصحف، جزء سوره‌های مدنی با ۲۴ آیه است (مراغی، بی‌تا: ج ۲۸: ۳۰). نام‌گذاری این سوره به دلیل ذکر واژه «الحشر» در آیه دوم و اشاره به رویداد تاریخی مهم «حشر»، یعنی اخراج قبیله یهودی بنی‌نضیر از سکونتگاهشان در منطقه الزهره، نزدیکی مدینه، صورت گرفته است (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ج ۲۸: ۵۶؛ قرائتی، ۱۳۸۸: ج ۹: ۵۳۳). این سوره به داستان قوم بنی‌نضیر می‌پردازد که به واسطه نقض پیمانی که با مسلمانان داشتند، به ترک دیار محکوم شدند و عامل اصلی این نقض عهد، وعده‌های دروغین منافقان بود که به بنی‌نضیر اطمینان دادند در صورت نقض پیمان آنان را یاری خواهند کرد، اما پس از نقض عهد، منافقان به تعهدات خود عمل نکردند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۹: ۲۰۱). درون‌مایه اصلی سوره، بیان تقابل دو مسیر بنیادین در زندگی انسان است. در یک مسیر، گروهی ترسیم می‌شوند که با پذیرش عبودیت و اطاعت از خداوند، و انجام اعمالی چون انفاق، هجرت و جهاد، به کمال انسانی نائل می‌شوند؛ و در مسیر مقابل، جمعی هستند که با رویگردانی از خداوند، نه تنها او، بلکه هویت انسانی خویش را نیز فراموش کرده و دچار تباهی می‌شوند (سپه‌کار، ۱۳۹۹: ۱۸۷-۱۸۶). این محتوا در یک ساختار شش‌بخشی منسجم ارائه می‌شود: آغاز با تسبیح موجودات برای خداوند (آیه ۱)؛ بیان داستان بنی‌نضیر و حکم اخراج آنان (آیات ۲-۱۰)؛ نقش منافقان و خیانت آنان (آیات ۱۱-۱۷)؛ توصیه‌های اخلاقی و اجتماعی به مؤمنان (آیات ۱۸-۲۰)؛ بیان عظمت قرآن و اثر آن بر قلوب (آیه ۲۱)؛ و نهایتاً شمارش اسماء جمال و جلال الهی در پایان سوره (آیات ۲۲-۲۴) که راه معرفت الهی را روشن می‌سازد (مکارم شیرازی، ج ۲۳: ۴۸۰-۴۷۹). بر همین اساس، هدف اصلی این سوره را می‌توان هشدار به

سرانجام ذلت آفرین مخالفت با خداوند و دعوت مؤمنان به خشیت و فروتنی در مقابل پروردگار دانست (بیات، ۱۳۹۷: ۱۱۲).

۲. بررسی اسماء الهی در خواتیم آیات سوره حشر

۲-۱. آیه ۱ سوره حشر: (سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ)

۲-۱-۱. بررسی واژگان آیه

العزیز: واژه «عزیز» بر موجودی نایاب و قدرتمند دلالت دارد (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۱: ۷۶) و در ریشه به معنای «قوت و غلبه» است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۵: ۳۷۴). راغب عزت را حالتی می‌داند که فرد را از شکست مصون داشته و همواره چیره است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۶۳). فخر رازی نیز در وصف خداوند، ابعادی چون بی‌همتایی، غلبه‌کنندگی شکست‌ناپذیر و قدرت عزت‌بخشی (مُعْزٍ) را برمی‌شمرد (فخر رازی، ۱۴۰۶: ۱۹۵-۱۹۴). این معانی بر قدرت مطلق و نفوذناپذیری ذات الهی تأکید دارند.

الحکیم: واژه «حکیم» از ریشه «حَكَمَ»، به معنای «منع با هدف اصلاح» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۴۸) یا «بازداشتن از ظلم» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۲: ۹۱) است. همچنین به «محکم‌کار و صاحب حکمت» که بر پایه مصلحت عمل می‌کند، تعبیر شده است (قرشی، ۱۴۱۲: ج ۲: ۱۶۴). طبرسی «حکیم» را دارای دو معنای «عالم مطلق» (ذاتی) و «کسی که کارش متقن و اساسی است» (فعلی) می‌داند (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱: ۱۸۳). در روایات نیز حکمت به «ثبات و استواری رأی» معنا شده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱: ۲۱۶). بنابراین، حکیم ذات مقدسی است که امور را با دقیق‌ترین دانش می‌شناسد و حکمت مطلق شایسته اوست (غزالی، ۱۴۰۷: ج ۱: ۱۲۰).

۲-۱-۲. تحلیل خاتمه آیه ۱: «وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»

آیه اول سوره حشر با اعلام اصل بنیادین تسبیح و تنزیه خداوند توسط تمام موجودات آسمان‌ها و زمین آغاز می‌شود؛ درواقع، این بخش مقدمه‌ای به شمار می‌آید برای طرح داستان یهودیان بنی‌نضیر؛ گروهی که در شناخت خداوند و صفات او دچار انحرافات گوناگون بودند و با اتکای بیش از حد به قدرت و عزت خود، در برابر پیامبر اسلام (ص) به توطئه‌گری پرداختند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۲۳: ۴۸۷). خاتمه این آیه با عبارت «وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»، پیوندی عمیق و حکیمانه با محتوای آیه و بستر کلی سوره برقرار می‌سازد. پس از اعلام تسبیح فراگیر، اسماء «العزیز» و «الحکیم» بلافاصله دلیل و مبنای این خضوع جهانی را روشن می‌کنند. صفت «عزیز» نشان می‌دهد که این تسبیح، ریشه در قدرت و شکست‌ناپذیری مطلق خداوند دارد و صفت «حکیم» بیان می‌کند که این نظم، بر اساس تدبیری دقیق و بی‌نقص استوار شده است. در سیاق آغازین سوره که مقدمه‌ای برای ماجرای بنی‌نضیر است، این خاتمه نقشی محوری در شکل‌دهی به نگرش مخاطب دارد. این دو صفت از پیش اعلام

می‌کنند که پیروزی شگفت‌انگیز مسلمانان، تجلی مستقیم همان عزت و حکمتی است که بر هستی فرمان می‌راند و ذهن را برای درک ابعاد الهی واقعه آماده می‌سازد.

در بستر کلی سوره که بر نمایش قدرت خداوند در برابر جبهه کفر استوار است، این خاتمه پیام اصلی را از همان ابتدا تثبیت می‌کند. عزت و حکمت الهی، دو ستون اصلی سوره هستند که در تقابل مستقیم با غرور و محاسبات مادی دشمنان قرار گرفته و نشان می‌دهند تدبیر الهی بر تمام نقشه‌های بشری غلبه خواهد کرد. در تفسیر «المیزان» بیان شده است که پایان یافتن آیه با دو صفت «عزیز» و «حکیم»، به این دلیل است که در این سوره، سرانجام یهود و منافقین به اقوام گذشته‌ای تشبیه شده که عواقب فریبکاری‌های خود را چشیدند و این خود نشان‌دهنده عزت و اقتدار بی‌نهایت خداست؛ همچنین، اگر آن‌ها دچار عذاب شدند، این مجازات بر طبق حکمت و مصلحت الهی بوده است، که این نیز گواه بر حکمت و تدبیر بی‌نقص خداوند است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۹: ۲۰۱). بنابراین، می‌توان گفت که کارکرد اصلی این خاتمه، تبیین قدرت و حکمت مطلق الهی به عنوان قانون حاکم بر هستی است تا وقایع بعدی سوره، همچون پیروزی بر دشمنان، به عنوان مصداق بارز آن درک شود.

۲-۲. آیه ۴ سوره حشر: (ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِّ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ)

۲-۲-۱. بررسی واژگان آیه

شدید العقاب: صفت «شدید العقاب» از دو جزء تشکیل شده: «شدید» به معنای صلابت و تندی (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۳: ۲۳۲) یا بستن قوی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۴۷) و «عقاب» به معنای پیامد عمل (مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۸: ۱۸۶) که مخصوص عذاب است (قرشی، ۱۴۱۲: ج ۵: ۲۲). این ترکیب به معنای کیفر سخت خداوند است (زجاجی، ۱۴۰۶: ج ۱: ۱۹۲) و بر قدرت مطلق و حاکمیت بی‌چون‌وچرای او در مجازات کافران و گناهکاران، چه در دنیا و چه در آخرت، دلالت دارد (قرطبی، ۱۴۱۶: ج ۱: ۴۸۴).

۲-۲-۲. تحلیل خاتمه آیه ۴: «فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»

این آیه در ادامه توصیف سرنوشت بنی‌نضیر، علت اصلی مجازات آن‌ها را تبیین می‌کند. آیه صراحتاً می‌گوید عذاب آنان به سبب «مُشَاقَّة» و دشمنی با خدا و رسولش بود. «مُشَاقَّة»، که از ماده «شقاق» گرفته شده، فاصله و جدایی میان دو چیز است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۵۹) و چون دشمن همیشه در مقابل قرار دارد و خود را جدا می‌کند، به کار او «شقاق» گفته می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۲۳: ۴۹۴). خاتمه آیه با عبارت «فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»، پیوندی قاطع، هشداردهنده با محتوای آن برقرار می‌سازد. پس از بیان جرم سنگین «مُشَاقَّة»، آیه با تعمیم حکم به قاعده‌ای کلی، نتیجه قطعی آن را اعلام می‌کند. صفت «شدید العقاب» جزای متناسب با این جرم است و نشان می‌دهد این طغیان، پاسخی کوبنده دارد و شدت عقاب، متناسب با وخامت دشمنی با خداست. این خاتمه پیروزی مسلمانان

را که پیشتر ذکر شد (آیات ۲-۳)، اجرای حکم عادلانه الهی معرفی می‌کند و می‌آموزد که سرنوشت بنی‌نضیر، نتیجه یک قانون تخلف‌ناپذیر الهی بود.

در بستر کلی سوره حشر که بر تقابل ایمان و کفر استوار است، این خاتمه یک اصل و هشدار فراگیر را تثبیت می‌کند. این قانون، محدود به بنی‌نضیر نیست و شامل منافقان و هر گروه دیگری می‌شود که مقابل خدا و رسولش بایستند و خط قرمز الهی را به وضوح ترسیم می‌کند. آلوسی می‌نویسد: «جمله «فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» تکمیل‌کننده و تأییدکننده محتوای آیه بوده و رابطه سببی را به شیوه برهانی اثبات می‌کند؛ به این معنا که آنچه از عذاب بر نافرمانان نازل شده، نتیجه دشمنی آنان با خداوند و رسول اوست و هر کس با خدا دشمنی کند، مستحق عذاب شدید خواهد بود» (آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱۴: ۲۳۷). بنابراین، می‌توان گفت که کارکرد اصلی این خاتمه، تعمیم حکم از یک واقعه تاریخی به یک قانون کلی و الهی است تا «عقاب شدید» را به عنوان نتیجه قطعی مخالفت با خدا و رسول معرفی نماید.

۳-۲. آیه ۶ سوره حشر: (وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَسْلُطُ رُسُلَهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ)

۲-۳-۱. بررسی واژگان آیه

قدیر: واژه «قدیر» از ریشه «قَدَرَ» به معانی توانایی، محدود کردن و اندازه‌گیری دقیق است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۵۸؛ مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۹: ۲۰۶؛ قرشی، ۱۴۱۲: ج ۵: ۲۴۷). ابن‌فارس این ریشه را به نهایت و کمال یک چیز مرتبط می‌داند، که نشان‌دهنده دقت تدبیر الهی است (ابن‌فارس، ۱۴۰۴: ج ۵: ۶۲). «قدیر» به عنوان صفت مشبّهه، بر استمرار و ثبات ذاتی این صفت در خداوند تأکید دارد، به این معنا که قدرت او همیشگی، ثابت و بدون نقص است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۹: ۲۰۸). لذا، «قدیر» بیانگر قدرت مطلق، دائمی و کامل الهی است.

۲-۳-۲. تحلیل خاتمه آیه ۶: «وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

این آیه به تبیین حکم «فیء» می‌پردازد؛ اموالی که خداوند بدون جنگ، از دشمنان به پیامبرش بازگرداند. آیه تصریح می‌کند که مسلمانان برای کسب آن، جنگی نکردند، بلکه این تسلط، اراده مستقیم الهی بود. خاتمه آیه با عبارت «وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»، پیوندی محکم و تأکیدی با محتوای آن برقرار می‌سازد. پس از بیان اعطای «فیء» بدون زحمت نظامی، صفت «قدیر» بیانگر قدرت بی‌حد خداوند است که اراده‌اش را بدون نیاز به اسباب ظاهری تحقق می‌بخشد. این صفت توضیح می‌دهد که چگونه چنین پیروزی‌ای ممکن شد؛ زیرا او بر هر کاری تواناست و محتاج ابزارهای بشری نیست. در سیاق واقعه بنی‌نضیر، این خاتمه ماهیت الهی پیروزی را تبیین می‌کند. این آیه به مؤمنان می‌آموزد که به قدرت خود مغرور نشوند و به دشمنان هشدار می‌دهد که قدرت الهی فراتر از هر قدرتی است. این رویکرد، زمینه را برای احکام تقسیم فیء در آیات بعد فراهم می‌کند.

در بستر کلی سوره حشر که بر عزت و حکمت الهی استوار است، این خاتمه، صفت «قدیر» را در کنار «عزیز» و «حکیم» قرار می‌دهد. این پیوستگی نشان می‌دهد که پیروزی بر بنی‌نضیر، جلوه‌ای از قدرت مطلق الهی بود که با حکمت او تدبیر شد و عزت او را به نمایش گذاشت. اشکوری می‌نویسد: «خداوند متعال بر هر امری تواناست و هر آنچه را اراده کند، به مرحله عمل می‌رساند. این تحقق اراده الهی گاهی از طریق اسباب و واسطه‌های مرسوم صورت می‌گیرد و گاهی نیز بدون نیاز به هیچ واسطه‌ای، به صورت مستقیم انجام می‌شود. نمونه‌ای آشکار از این قدرت بی‌واسطه را می‌توان در ماجرای قبیله بنی‌نضیر مشاهده کرد، که خداوند تنها با افکندن رعب و وحشت در دل‌های آنان، اراده خود را محقق ساخت» (اشکوری، ۱۳۷۳: ج ۴: ۴۲۹). بنابراین، می‌توان گفت که کارکرد اصلی این خاتمه، تأکید بر قدرت مطلق الهی است که اراده‌اش را بدون نیاز به اسباب ظاهری و جهاد نظامی محقق می‌سازد.

۴-۲. آیه ۷ سوره حشر: (مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ)

۴-۲-۱. تحلیل خاتمه آیه ۷: «إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»

این آیه چگونگی توزیع «فیء» را با هدف جلوگیری از تمرکز ثروت در دست اغنیا بیان می‌کند. سپس با حکمی کلی، بر لزوم اطاعت کامل از پیامبر (ص) و تقوای الهی تأکید می‌ورزد. خاتمه آیه با عبارت «إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»، پیوندی قاطع، هشداردهنده و تضمین‌کننده با محتوای آن برقرار می‌کند. پس از بیان قانون عدالت اجتماعی و فرمان اطاعت از رسول، ذکر «شدید العقاب» به عنوان یک هشدار نهایی عمل می‌کند. این ترکیب در پایان آیه مسلمانان را از تخطی و سرپیچی از فرمان پیامبر برحذر می‌دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۹: ۲۰۴). در سیاق احکام فیء، این خاتمه پس از بیان قدرت الهی در اعطای فیء، با هشدار قاطع، هرگونه سوءاستفاده یا سرپیچی از احکام توزیع آن را منع کرده و زمینه را برای جامعه‌ای عادل و مطیع فراهم می‌سازد.

در بستر کلی سوره حشر، که بر عزت و حکمت الهی استوار است، این خاتمه عنصر «قدرت و قاطعیت» را نشان می‌دهد. خداوندی که قدیر و عزیز است، در اجرای احکام خود نیز «شدید العقاب» است. این صفت هشدار برای متخلفان و اطمینان‌بخش برای مؤمنان است. در «مفاتیح الغیب» آمده است که عبارت «إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» هشدار است بر مجازات‌های سخت الهی که به شکلی جامع، تمامی اوامر و نواهی پیامبر را در بر می‌گیرد و به مؤمنان گوشزد می‌کند که هرگونه سرپیچی از تعالیم ایشان، چه در مسائل کلی و چه در جزئیاتی چون احکام فیء، عواقب وخیمی در پی خواهد داشت (فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۲۹: ۵۰۷). بنابراین، می‌توان گفت که کارکرد اصلی این خاتمه، تأکید بر

لزوم اطاعت مطلق از احکام الهی و دستورات رسول، و هشدار قاطع درباره عواقب سخت هرگونه سرپیچی از این فرامین در حوزه‌های مالی و اجتماعی است.

۲-۴-۲. تفاوت سیاقی تکرار صفت «شَدِيدُ الْعِقَابِ»

صفت «شدید العقاب» در سوره حشر، با دو کارکرد متفاوت اما مکمل به کار رفته است. در آیه چهارم، این عبارت در واکنش به «مُشَاقَّة»، یعنی دشمنی و تقابل بنیادین با خدا و رسول، مطرح می‌شود. در اینجا، شدت عقوبت بر مجازات یک انحراف ریشه‌ای و طغیان ایدئولوژیک تأکید دارد و کیفر اصلِ عناد و کفر را هدف قرار می‌دهد. اما در آیه هفتم، این صفت پس از تشریح احکام توزیع «فیء» و صدور فرمان کلی «مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ» (اطاعت محض از پیامبر) آمده است. در این سیاق، «شدید العقاب» به عنوان یک ضمانت اجرایی برای پایبندی عملی و دقیق به قوانین شرعی و ولایت تشریعی پیامبر عمل می‌کند. به طور خلاصه، کاربرد اول به عقوبت ریشه انحراف (خصوصت) و کاربرد دوم به عواقب تبعات عملی آن (نافرمانی) اشاره دارد و با هم، قاطعیت فراگیر الهی در برابر هر نوع تخلف، چه در حوزه عقیده و چه در حوزه عمل را نشان می‌دهند.

۲-۵-۲. آیه ۱۰ سوره حشر: (وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ)

۲-۵-۱. بررسی واژگان آیه

رؤوف: کلمه «رؤوف» از ریشه «رأف» گرفته شده است و معنای اصلی آن، همان «رحمت» است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۸: ۲۸۲؛ صاحب بن عباد، بی‌تا: ج ۱۰: ۲۵۶). برخی آن را به معنای «أشد الرحمة» (شدیدترین نوع رحمت) دانسته‌اند (جوهری، ۱۴۰۷: ج ۴: ۱۳۶۲). این نشان می‌دهد که «رأفت» نوع خاص و عمیق‌تری از رحمت است.

رحیم: واژه «رحیم» از ریشه «رَحِمَ» به معنای عطوفت و مهربانی است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۲: ۴۹۸). رحمت، از جانب خداوند متعال، به معنای انعام و بخشش است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۴۷-۳۴۸؛ قرشی، ۱۴۱۲: ج ۳: ۷۰). این صفت در خداوند، اراده‌ای فعال، آگاهانه و هدفمند برای افاضه خیر به بندگان است، نه یک واکنش منفعلانه (غزالی، ۱۴۰۷: ج ۱: ۶۲).

در مقایسه بین «رأفت» و «رحمت»، می‌توان گفت که «رأفت» از جهت کیفیت، خاص‌تر، شدیدتر و قوی‌تر است و در مقابل، «رحمت» به لحاظ کیفیت عام‌تر است و مصادیق بیشتری را در بر می‌گیرد (مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۴: ۶؛ سبحانی، ۱۳۸۳: ج ۲: ۲۶۴). به عبارتی، رأفت نوعی رحمت ویژه و با شدت بیشتر است. طباطبایی در ارتباط بین این صفات می‌نویسد: «خداوند متعال از جهت رحمت خاص خود که همان سعادت بندگان است، «رحیم» است. و از آن جهت که هر شیء ریز و دقیقی را آفریده و به آن احاطه دارد، «لطیف» نامیده می‌شود. در نهایت، خداوند از آن جهت که رحیم و لطیف

است، «رؤوف» است» (طباطبایی، ۱۳۶۵: ۴۰). این بیان نشان‌دهنده ارتباط و سلسله‌مراتب معنایی این صفات الهی است.

۲-۵-۲. تحلیل خاتمه آیه ۱۰: «رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ»

این آیه به معرفی دسته سوم از مستحقین دریافت از مال فیء می‌پردازد؛ این گروه شامل سه دسته هستند: مهاجران، انصار و تابعین. تابعین، کسانی هستند که با پیروی از رفتار نیکو و صفات زیبای مهاجران و انصار و نیز دعا کردن برای آنان در خفا و آشکار، راه آنها را ادامه می‌دهند (این‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۷: ج ۸: ۱۰۲). خاتمه آیه با عبارت «رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ»، پیوندی امیدبخش و بنیادین با محتوای آن برقرار می‌سازد. پس از بیان این دعای جامع، اسماء «رؤوف» و «رحیم» مبنای امید به استجابات را روشن می‌سازند. «رؤوف» نهایت مهربانی در دفع ضرر (چون کینه) و «رحیم» رحمت گسترده در بخشش گناهان است. این دو در کنار هم، خدایی را تصویر می‌کنند که هم با دلسوزی می‌نگرد و هم با رحمت بی‌کران، موانع قلبی را برطرف می‌سازد.

در سیاق آیات پیشین (آیات ۸-۹) که فضایل مهاجران و انصار را وصف می‌کند، این خاتمه به نوعی وحدت جامعه اسلامی را تثبیت می‌کند. تعبیر «اخوان» و توسل به خداوند رؤوف و رحیم در انتهای آیه، همگی نمایانگر روحیه محبت، صفا و برادری هستند که می‌بایست بر سراسر جامعه اسلامی حاکم باشد؛ در چنین جامعه‌ای، هر فردی خیر و نیکی را تنها برای خود نمی‌خواهد، بلکه تمامی تلاش‌ها و درخواست‌ها به صورت جمعی و برای منفعت همگان صورت می‌پذیرد و هرگونه کینه، دشمنی، بخل، حرص و حسد از دل‌ها زدوده شده و یک جامعه اسلامی حقیقی شکل می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۲۳: ۵۲۳). در تفسیر «روح البیان» آمده است که جمله «رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ» یعنی خداوند در رأفت و رحمت بی‌نهایت است و با توجه به این، سزاوار است دعا‌های ما را اجابت کند (حق‌ی بروسوی، بی‌تا: ج ۹: ۴۳۷). بنابراین، می‌توان گفت که کارکرد اصلی این خاتمه، تأکید بر رأفت و رحمت بی‌کران الهی به عنوان پشتوانه و عامل اصلی برای استجابات دعا‌های مربوط به آمرزش، رفع کینه و تثبیت وحدت و برادری در جامعه ایمانی است.

۲-۶-۲. آیه ۱۸ سوره حشر: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ)

۲-۶-۱. بررسی واژگان آیه

خبیر: واژه «خبیر» از ریشه «خَبَرَ»، به معنای آگاه از باطن امور یا «آگاه‌کننده» است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۷۳). برخی آن را دانش مبتنی بر تحقیق (مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۳: ۱۰) و آگاهی حاصل از تجربه دانسته‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۴: ۲۵۸). این اسم یعنی خداوند به کنه اشیاء عالم و بر حقیقتشان مسلط است (فخر رازی، ۱۴۰۶: ج ۱: ۲۴۸).

۲-۶-۲. تحلیل خاتمه آیه ۱۸: «إِنَّ اللَّهَ خَيْرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»

آیه شریفه، مؤمنان را در ابتدا به تقوای عملی و انجام اوامر الهی و ترک گناهان فرا می‌خواند و در انتهای آیه نیز، بار دیگر بر تقوا تأکید نموده و مؤمنان را به پروا از خداوند در هنگام ارزیابی و محاسبه اعمال خود توصیه می‌کند؛ تکرار امر به تقوا در این آیه یعنی نباید اعمال ناپسند و یا اعمال صالح غیرخالص خود را به صرف اینکه عمل خودشان است، زیبا و خالص جلوه دهند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۹: ۲۱۹). خاتمه آیه با عبارت «إِنَّ اللَّهَ خَيْرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»، پیوندی عمیق، انگیزه‌بخش و هشداردهنده با محتوای آن برقرار می‌سازد. پس از دو بار امر به تقوا و دستور به محاسبه نفس، ذکر صفت «خبیر» مبنای این خودنظارتی را روشن می‌کند. این صفت نشان می‌دهد که خداوند نه تنها از اعمال ظاهری، بلکه از نیات، انگیزه‌ها و جزئی‌ترین افکار بندگان نیز کاملاً باخبر است. این آگاهی مطلق، انسان را به مراقبت همیشگی از اعمال خود وامی‌دارد.

در سیاق آیات، این آیه و دو آیه بعدی به نوعی نتیجه‌گیری از ماجرای درگیری مسلمانان با یهود پیمان شکن مدینه و همچنین همکاری منافقان مدینه با این یهودیان است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۲۳: ۴۷۹). در این فضا خاتمه آیه، هشدار است به آگاهی کامل خداوند از تمام اعمال، نیات و انگیزه‌های پنهان که این آگاهی مطلق، مؤمنان را به اخلاص و تقوا دعوت کرده و از نفاق و تکرار اشتباهات گذشته باز می‌دارد. بقاعی بیان می‌کند که صفت الهی «خبیر» بیانگر احاطه کامل و آگاهی بی‌نظیر خداوند بر تمامی ابعاد وجودی انسان، از ظواهر اعمال گرفته تا بواطن نیات است و این علم مطلق به آن معناست که هیچ فعلی از انسان صادر نمی‌شود مگر آنکه در محضر و منظر الهی قرار دارد؛ حقیقتی که به‌طور مستقیم، انسان را به لزوم پیشه کردن حیا در پیشگاه پروردگارش رهنمون می‌سازد (بقاعی، ۱۴۰۴: ج ۷: ۵۳۵). بنابراین، می‌توان گفت که کارکرد اصلی این خاتمه، تأکید بر آگاهی مطلق الهی از تمام اعمال ظاهری و باطنی است تا پشتوانه‌ای محکم برای تقوا، خوداندیشی و آمادگی برای روز قیامت باشد.

۲-۷-۲. آیه ۲۲ سوره حشر: (هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ)

۲-۷-۱. بررسی واژگان آیه

الرحمن: واژه «الرحمن» از ریشه «رَحِمَ» به معنای مهربانی و عطوفت است (جوهری، ۱۴۰۷: ج ۵: ۱۹۲۹؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۲: ۴۹۸). برخی همنشینی آن با «رحیم» را برای تأکید می‌دانند (ابن انباری، ۱۹۸۷: ج ۱: ۱۵۳؛ زجاج، ۱۴۰۶: ۲۹). اما نظر رایج‌تر، تمایز معنایی است: «رحمان» به رحمت عام خداوند برای همه موجودات، و «رحیم» به رحمت خاص و دائمی او برای مؤمنان اشاره دارد (طبری، ۱۴۱۲: ج ۱: ۴۴؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۷: ج ۱: ۲۸؛ نحاس، ۱۴۰۸: ج ۱: ۵۴؛ سمرقندی، ۱۴۱۶: ج ۳: ۴۳۲؛ طوسی، ۱۳۶۴: ج ۹: ۵۷۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۹: ۴۰۰). این تفاوت در روایتی از

امام صادق (ع) نیز تأیید شده است (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱: ۲۲؛ تفسیر قمی، ۱۴۲۲: ج ۱: ۵۲؛ کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱: ۱۱۴).

۲-۷-۲. تحلیل خاتمه آیه ۲۲: «هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ»

این آیه، شروع‌کننده بخشی از سوره حشر است که به توصیف اسماء باشکوه الهی می‌پردازد. آیه با تأکید بر توحید و احاطه علمی او بر «غیب و شهادت» آغاز می‌شود. خاتمه آیه با عبارت «هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ»، پیوندی جامع و امیدبخش با محتوای آن برقرار می‌سازد. پس از بیان اصل توحید و علم مطلق، ذکر اسماء «الرحمن» و «الرحیم» تأکید می‌کند که این خدای یکتا، سرچشمه رحمت است. این ترکیب، عظمت و جلال الهی را با جمال و مهربانی او در می‌آمیزد. در سیاق آیات، این آیه و دو آیه بعدی، با توجه به مضمون آیات قبل که امر به ذکر می‌کردند، ضمن معرفی اسماء حسناى الهی و نفی هرگونه نقص از ذات او، بر پیوند عمیق میان ذکر خدا و درک این اسماء تأکید دارند؛ به این معنا که کسی که به یاد خداست، او را با اسماء زیبایش یاد می‌کند و در پرتو این یادآوری، به نقص و محدودیت خویش در برابر کمالات الهی پی می‌برد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۹: ۲۲۱). در این فضا خاتمه این آیه برای کسانی که به یاد خدا هستند، معنای ویژه‌ای دارد. رحمت رحمانی، آگاهی از نیاز همگانی به فضل الهی را تقویت می‌کند، در حالی که رحمت رحیمی، امید به رحمت خاص او را برمی‌انگیزد. این دو، با هم، انگیزه‌ای قوی برای حرکت به سوی کمال و تقرب به خداوند را فراهم می‌سازند.

در بستر کلی سوره حشر، که بر محور عزت و حکمت الهی در اداره جامعه و جهان، و تبیین قدرت و علم مطلق او در پیروزی بر دشمنان و هدایت مؤمنان استوار است، این خاتمه و به دنبال آن، مجموعه اسماء الحسنی، به عنوان اوج تسبیح و تکریم خداوند مطرح می‌شوند. در تفسیر «منهج الصادقین» آمده است که «الرحمن» یعنی بخشنده‌ای که رحمت عمومی و فراگیرش در این دنیا شامل حال تمام آفریدگان می‌شود و «الرحیم» یعنی مهربانی که رحمت ویژه‌اش، شامل آمرزش و خشنودی الهی، در آخرت تنها به مؤمنان اختصاص دارد (کاشانی، ۱۳۴۰: ج ۹: ۲۳۸). بنابراین، می‌توان گفت که کارکرد اصلی این خاتمه، تأکید بر رحمت بی‌کران و فراگیر الهی (عام و خاص) است که مبنای اصلی وجود و تدبیر الهی در کنار توحید و علم مطلق اوست.

۲-۷-۳. تفاوت سیاقی دو خاتمه «رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ» و «هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ»

سوره حشر رحمت الهی را از دو منظر متفاوت و متناسب با سیاق آیات به تصویر می‌کشد. در آیه دهم، خاتمه «رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ» از زبان بنده و در قالب یک دعا بیان می‌شود. این عبارت که پس از طلب مغفرت و پاکی دل آمده، با ندای «رَبَّنَا» حالت تضرع و امید را برای جلب رحمت و استجاب دعا منعکس می‌کند. این یک گفتگوی نیازمندانه از پایین به بالا است. در مقابل، آیه بیست و دوم با عبارت «هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ»، یک بیانیه توحیدی از سوی خود خداوند است. در اینجا گوینده خداوند است که با ضمیر «هو»، حقیقت مطلق و ثابت خود را معرفی می‌کند. هدف، «معرفت‌افزایی» و شناساندن ابعاد

رحمت خویش به آفریدگان است. به طور خلاصه، آیه دهم کاربرد عملی ایمان به رحمت در گفتگوی بنده با پروردگار است، حال آنکه آیه بیست و دوم، بیانیه‌ای خبری از سوی خدا برای شناساندن حقیقت مطلق رحمت اوست.

۲-۸. آیه ۲۴ سوره حشر: (هُوَ اللَّهُ الْغَالِي الْبَارِي الْمَصُورُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ يَسْبَحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ)

۲-۸-۱. تحلیل خاتمه آیه ۲۴: «وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»

این آیه، آخرین آیه سوره حشر و نقطه اوج توصیف اسماء الهی است. آیه با معرفی اسماء الهی که بر قدرت خلاقیت و ایجاد خداوند دلالت دارند (الخالق، الباری، المصور) آغاز می‌شود و در ادامه به تسبیح همگانی موجودات اشاره دارد. خاتمه آیه مانند آیه ۱، با عبارت «وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»، پایان می‌یابد که پیوندی بنیادین، جامع و خاتمه‌بخش با محتوای آیه و کل سوره برقرار می‌سازد. پس از بیان قدرت خلق و تسبیح عمومی، ذکر اسماء «العزیز» و «الحکیم» تأکید می‌کند که این قدرت مطلق، هرگز از دایره حکمت خارج نیست. «العزیز» بیانگر قدرت شکست‌ناپذیر و «الحکیم» نشانگر تدبیر حکیمانه اوست؛ قدرتی که با حکمت آمیخته و حکمتی که با قدرت پشتیبانی می‌شود. در سیاق آیات پیشین که مجموعه اسماء الحسنی را معرفی می‌کرد، این خاتمه نقشی محوری در جمع‌بندی ایفا می‌کند و نشان می‌دهد که تمام آن صفات، ریشه در عزت و حکمت الهی دارند و افعال خداوند در هستی از این دو صفت بنیادین سرچشمه می‌گیرد.

در بستر کلی سوره حشر، این خاتمه اهمیتی فوق‌العاده دارد؛ زیرا سوره با همین عبارت آغاز شده بود. این تکرار، انسجام و پیوستگی سوره را تأکید می‌کند. آلوسی ناظر به خاتمه این آیه می‌نویسد: «در عبارت «وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»، باید این دو وصف را جامع تمام کمالات الهی دانست؛ زیرا صفات کمال، با وجود کثرت و شاخه‌های فراوانی که دارند، در نهایت به دو اصل بنیادین بازمی‌گردند: کمال قدرت و کمال علم. کمال در قدرت، همان حقیقتی است که وصف «العزیز» بیانگر آن است؛ این برداشت مبتنی بر تفسیری است که «عزیز» را به معنای «غالب» و شکست‌ناپذیر می‌داند. از سوی دیگر، کمال در علم، مفهومی است که وصف «الحکیم» به آن اشاره دارد، چراکه «حکیم» به فاعلی اطلاق می‌شود که افعال خود را مطابق با اقتضای حکمت انجام می‌دهد و لازمه چنین امری، برخورداری از علم مطلق است» (آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱۴: ۲۵۷). بنا بر توضیحات ارائه شده، می‌توان گفت که کارکرد اصلی این خاتمه، تکمیل یک دایره معنایی است. سوره با معرفی عزت و حکمت الهی آغاز شد و اکنون پس از نمایش این صفات در عمل، همان موضوع را تأیید می‌کند. به این ترتیب، تمامی رویدادها و آموزه‌های سوره، نمونه‌های واقعی از قدرت (العزیز) و حکمت (الحکیم) خداوند بوده‌اند.

۲-۸-۲. تفاوت سیاقی تکرار خاتمه «وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»

تکرار عبارت «وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» در آغاز و پایان سوره حشر، یک چارچوب ساختاری و معنایی هوشمندانه را شکل می‌دهد که کارکردهای متفاوتی دارد. در آیه نخست، این عبارت نقشی تأسیسی و بنیادین ایفا می‌کند. پس از اعلام تسبیح جهانی موجودات، «عزت» و «حکمت» به عنوان دلیل این خضوع معرفی می‌شوند. این آیه یک «ادعا»ی اولیه است که ذهن مخاطب را آماده می‌سازد تا رویدادهای سوره، مانند اخراج بنی‌نضیر، را به عنوان تجلیات عینی همین قدرت و تدبیر الهی مشاهده کند. اما در آیه پایانی، کارکرد این عبارت دیگر تأسیسی نیست، بلکه تأییدی، جمع‌بندی‌کننده و اثباتی است. مخاطبی که اکنون سوره را تا انتها خوانده و شاهد غلبه عزت الهی بر دشمنان و سامان‌بخشی حکمت او بوده‌است، تکرار این عبارت را به عنوان یک حقیقت اثبات‌شده درمی‌یابد. این خاتمه به صورت گذشته‌نگر عمل کرده و گویی می‌پرسد: «آیا آن عزت و حکمتی را که در ابتدا اعلام کردیم، در عمل مشاهده نکردید؟» بنابراین، سوره یک چرخه معرفتی کامل را طی می‌کند: با یک ادعا آغاز می‌شود، با ارائه شواهد ادامه می‌یابد و با اثبات همان ادعا به پایان می‌رسد. این ساختار منسجم، پیام محوری سوره را به عمیق‌ترین شکل ممکن در ذهن مخاطب تثبیت می‌کند.

نتایج

در سطح آیه: گزینش هر اسم الهی در خواتیم آیات، برآمده از یک ضرورت معنایی و در پیوندی تنگاتنگ با مضمون آیه است. این اسماء برای تکمیل ساختار معنایی آیه، کارکردهای دقیقی چون تعلیل، تبیین، تأکید، انذار، تبشیر و تضمین اجرایی را ایفا می‌کنند. هر خاتمه به‌مثابه کلید تفسیری نهایی عمل کرده و بدون آن، پیام محوری آیه، ناقص و معلق باقی می‌ماند.

۴. **تقویت پیام‌های محوری:** این اسماء از طریق چهار کارکرد مکمل، مضامین محوری سوره حشر را تقویت می‌کنند. محور عزت و حکمت الهی، بنیان‌های معرفتی ایمان به حاکمیت مطلق او را استوار می‌سازد. محور عدالت و کیفر، با هشدار قاطع، کارکردی بازدارنده ایفا می‌کند. محور رحمت و امیدبخشی، با گشودن باب مغفرت، کارکردی تشویقی دارد؛ و محور علم و نظارت فراگیر، تقوای مبتنی بر محاسبه نفس را تعمیق می‌بخشد.

۵. **معماری انسجام‌بخش:** چینش اسماء الهی در پایان آیات، یک معماری منسجم را پدید می‌آورد که در آن، تکرار «العزیز الحکیم» در آغاز و پایان، همچون قابی فراگیر، کل سوره را تحت سیطره قدرت و حکمت الهی قرار می‌دهد. درون این چارچوب، روایتی از دو مسیر متضاد «عقاب شدید» برای دشمنان و «رحمت واسعه» برای مؤمنان شکل می‌گیرد؛ نظامی که بر پایه علم مطلق خداوند استوار گشته و به سوره انسجامی بی‌نظیر می‌بخشد.

منابع

قرآن کریم.

آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. چاپ اول. بیروت: دارالکتب العلمیة.

ابن ابی حاتم، عبدالرحمان بن محمد (۱۴۱۷ق). تفسیر القرآن العظیم مسنداً عن رسول الله (ص) و الصحابة و التابعین، ریاض: مكتبة نزار مصطفى الباز.

ابن انباری، محمد بن قاسم (۱۹۸۷م). الزاهر فی معانی کلمات الناس، بغداد: دارالشؤون الثقافية العامة.

ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق). تفسیر التحرير و التنویر. چاپ اول. بیروت: مؤسسة التاریخ العربی.

ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. چاپ اول. قم: مكتب الاعلام الاسلامی.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیة.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. چاپ سوم. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع؛ دار صادر.

ابوشهبه، محمد (۱۴۲۳ق). المدخل لدراسة القرآن الکریم. قاهره: مكتبة السنة.

اشکورى، محمد بن علی (۱۳۷۳ش). تفسیر شریف لاهیجی. چاپ اول. تهران: دفتر نشر داد.

بقاعی، برهان الدین (۱۴۰۴ق). نظم الدرر فی تناسب السور و الآیات. چاپ اول. قاهره: دارالکتب الاسلامی.

بیات، آسیه (۱۳۹۷ش). ساختارشناسی سور مسبحات و سور میانی با تأکید بر انسجام مضمونی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم ملایر.

قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۲۲ق). تفسیر قمی، قم: مؤسسة الامام المهدي.

جوهری، ابونصر (۱۴۰۷ق). الصحاح؛ تاج اللغة و صحاح العربية. چاپ چهارم. بیروت: دارالعلم للملایین.

حقی بروسوی، اسماعیل بن مصطفی (بی تا). تفسیر روح البیان. چاپ اول. لبنان: دارالفکر.

حیدری، کمال (۱۴۳۳ق). منطق فهم القرآن. قم: دار فراق.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول. بیروت-دمشق: دارالعلم؛ الدار الشامیة.

زجاج، ابراهیم بن سری (۱۴۰۶ق). تفسیر أسماء الله الحسنى، بیروت: دارالمأمون للتراث.

زجاجی، عبدالرحمان بن اسحاق بغدادی (۱۴۰۶ق). اشتقاق أسماء الله. چاپ دوم. بیروت: مؤسسة الرسالة.

زرکشی، محمد بن عبدالله (۱۴۱۰ق). البرهان فی علوم القرآن. بیروت: دارالمعرفة.

سبحانی، جعفر (۱۳۸۳ش). منشور جاوید. چاپ دوم. قم: دارالعلم.

سپه‌کار، زهرا (۱۳۹۹ش). بررسی ارتباط تناسب تاریخی و پیوستگی معنایی آیات یک سوره به‌عنوان روش خوانش متن قرآن؛ مطالعه موردی سوره حشر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اصفهان: دانشگاه اصفهان.

سمرقندی، نصرین محمد (۱۴۱۶ق). تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم. چاپ اول. بیروت: دارالفکر.

سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۲۱ق). الإیتقان فی علوم القرآن. چاپ اول. لبنان: دارالکتاب العربی.

صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد (بی‌تا). المحيط فی اللغة. چاپ اول. بیروت: عالم‌الکتب.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۵ش). الرسائل التوحیدية. قم: بنیاد علمی و فکری علامه سید محمدحسین طباطبایی.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. چاپ دوم. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. چاپ سوم. تهران: ناصر خسرو.

طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر طبری). چاپ اول. بیروت: دارالمعرفة.

طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۴ش). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: إحياء التراث العربی.

عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). التفسیر، تهران: مكتبة العلمية الاسلامية.

غزالی، ابوحامد (۱۴۰۷ق). المقصد الأسنى فی شرح معانی أسماء الله الحسنى. چاپ اول. قبرس: الجفان و الجابی.

فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۰۶ق). لوامع البینات؛ شرح أسماء الله تعالی و الصفات. قاهره: مكتبة الكلمات الأزهرية.

_____ (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب. چاپ سوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). العین. چاپ دوم. قم: نشر هجرت.

قرائتی، محسن (۱۳۸۸ش). تفسیر نور. چاپ اول. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

قرشی، سید علی اکبر (۱۴۱۲ق). قاموس قرآن. چاپ ششم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۱۶ق). الأسنی فی شرح أسماء الله الحسنی. مصر: دار الصحابة للتراث (طنطا).

کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله (۱۳۴۰ش). منهج الصادقین فی إلزام المخالفین. چاپ اول. تهران: کتابفروشی اسلامیة.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق). الکافی. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. چاپ دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مراغی، احمد بن مصطفی (بی‌تا). تفسیر المراغی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم. چاپ اول. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

معرفت، محمد هادی (۱۴۱۵ق). التمهید فی علوم القرآن. قم: مؤسسة النشر الاسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش). تفسیر نمونه. چاپ دهم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

نحاس، احمد بن محمد (۱۴۰۸ق). معانی القرآن الکریم، مکّه: جامعة أم القرى.